

فروغ جاویدان



کنکاشی پیرامون ماندگاری گاتها در درازای تاریخ

پیشکش به نخستین همایش بزرگ موبدان و موبدیاران سراسر ایران

پژوهش و نگارش: فرید شولیزاده

به خشنودی اهورامزدا

و

بنام نامی زرتشت

پنم وستایش اوی همی بود همی هست همی بید، خداوندگار جان و خرد هستی بخش بزرگ دانا، آن وجود پاکی که هستی ما را آفرید و منش نیک در کنه وجود گیتوی ما قرار بداد. او که به ما خرد را ارزانی داشت تا راستی و درستی را از کژی و پلشتی تمیز دهیم و اشوئی پیشه کنیم که بر راستی، راستی نیک است، بهترین است، خوشبخت آن کسی است که در زندگی راستی را برگزیند.

درود بر پدر مینویم زرتشت که با سخنانش، آتش خردورزی را در درون اندیشه من شعله ور ساخت و نور حقیقت را در رگهایم جاری کرد و به من انسان بودن را آموخت.

عشقهای کز پی رنگی بود عشق نبود عاقبت ننگی بود

عشق پاک از نور حق دارد نشان میبرد جان را بدان جانب کشان

درود بر ایران ویج خواستگاه پدرانم، و درود بر روان تمام موبدان و هیربدانی که در درازای تاریخ با هزاران رنج و سختی این کلام مانتره را برگ به برگ و سینه به سینه حفظ کردند و برای ما، به یادگار گذاشتند.

تعالیم گاتها مردم را با یک رفورم بزرگ و پیشرفت برجسته ای آشنا می سازد که تا امروز در فضای اخلاقیات و روحیات بشر تکرار نشده است. در این سروده ها جلوه هایی از پوشش انسان بسوی کمال اخلاقیات فردی و اجتماعی و تصفیه روح مردمان و گرایش انسان به درون و وجدان بجای انجام آداب و مراسم ظاهری بخوبی نمودار است و می آموزد که هر چه بکاری سرانجام همان را درو می کنی.

عبادت بجز خدمت خلق نیست به تسبیح و سجاده و دلق نیست

تنها کسانی که به راز درون خود پی برده و با کوشش خستگی ناپذیر برای پاک کردن مغز خویش از هر گونه پلیدی و اندیشه های ناشایست، طریق روحانیت را طی کرده اند، میتوانند به درک گفتار و مفاهیم درونی سخنان پیامبر بزرگ آریائی نائل آیند.

چون زجاهی میکنی هر روز خاک لاجرم روزی رسی بر آب پاک

بنیان گزار اندیشه مزدیسنا، سراینده ی گاتها از روی خرد و دانش بسیط و پر ژرف خویش سخنانی پر از حکمت و فلسفه ایراد کرده است سخنان آن و خشور را باید تراوشات فکر و اندیشه بلند و ممتاز و سترگ آن و خشور دانست که به درجه کمال رسیده، و از سوی پروردگار یکتا بوسیله خرد خود مورد خطاب قرار گرفته است.

آن اشو ابر مرد پاک، حقیقت آموزشهای خود را بصورت سروده های گاتها به شاگردان و پیروانش آموزش داده، یادگاری که در درازای تایخ اندیشه انسان را به کمال رسانده و نامیرا می کند.

بشر سالیان دراز مانند طفل، از ترس و وحشت خدایان خون خوار، بی منطق و بی رحم و البته دوزخ و رنج عذاب های گوناگون پس از مرگ که ره آورد ایدولوژی های سامی است به خود میلرزید و به امید لذایذ و نعمتهائی که در بهشت برخوردار خواهد شد شادی ها مینمود، غافل از آنکه پروردگار راستین، خداوند جان و خرد برخوردار از خوشی ها و رنج های گیتی و مینوی را به یک صورت برای انسان مقرر داشته که آن نتیجه و برآیند اعمال خود انسان و نهاد او در گفتار و کردار و پندار است.

اشو زرتشت همان کسی است که صورت این حقیقت را عریان ساخت. او به ما آموخت که پاداش بهشت و مجازات دوزخ امری درونی و مینوی است. گاتها به ما آموخت که مکافات و مجازات منشی و ذهنی است و بهشت و دوزخ همان راحتی اندیشه و آسایش وجدان است در نهایت همگی باید به مبداء آفرینش خویش، سرای نور و سرور بازگردیم. آموزش این نکته در تعقیر عادات و روش فکری ایرانیان باستان بسیار موثر بود و پایه گزار بنای عظیمی از خردورزی شد که از مکتب آن تمدنی با آن عظمت سر بر آورد و بی شمار بزرگان، اندیشمندان و شاهان دادگر پدید آمدند.

آموزشها و فلسفه و جهان بینی پیامبر بزرگ آریائی از همان دوران کهن مورد توجه حکما و فلاسفه بزرگ جهان بوده است اندیشمندان جهان باستان چون فیثاغورس، ارسطو، افلاطون و... با افتخار و غرور از زرتشت و فلسفه وی یاد کرده اند. حکمت اشراق اهمیت و اعتبار و دیدگاههای وی زمینه ساز بسیاری از تحولات در فلسفه و حکمت شد. فلسفه عمیق زرتشت از افلاطون تا هگل را، از جنبه های متفاوت خود برخوردار کرده است و نیچه، مرد برتر را در وجود این ابرمرد بزرگ تاریخ بشری یافته و معرفی نموده...

شاید به جرات بتوان گفت که یکی از میراث های ملی ما ایرانیان که در پس حوادث مختلف تاریخی و تازش اقوام وحشی به این سرزمین همچنان بکر و پابرجا مانده گاتها است، بیشتر افراد روشنفکر نما و کوتاه فکر و البته گروهی مغرض گمان میدارند و یا این تفکر خام را ترویج می کنند که کتاب اوستا و داشته های دینی زرتشتیان در حجوم اسکندر گجسته و سپس اعراب از میان رفته و کتب دینی زرتشتیان بواقع مشتهی است از یک خربار و...؟

کمال صدق محبت بین، نه نقص گناه که هر که بی هنر افتد نظر به عیب کند

همگی میدانیم که سایر قسمت های اوستا بجز گاتهای ورجاوند، در بلندای تاریخ بوسیله اندیشمندان و فلاسفه و موبدان بزرگ نوشته شده. و متشکل بوده از تمامی علوم که در

آن روزگار، نیاز آن احساس می‌شده از پزشکی و نجوم گرفته تا قوانین کشور داری و دادگری و مردم داری تا فلسفه و انسان شناسی و دین شناسی... هر گاه در دوره ای از تاریخ تازش بیگانه و حوادث روزگار خللی در حاکمیت ایرانیان بر مقدراتشان وارد کرده و حکومت بدست بیگانه افتاده، (بمانند تازش اهریمنی اسکندر گجستک و یا اعراب و ترکان وحشی) بلطبع دیگر زمینه نگهداری و آرشویو کتابهای مرجع چون اوستای هخامنشی که تمام دانشهای روزگار خود بود وجود نداشت، زیرا حامی معنوی و مادی این اندیشه ها که حاکمیت ایرانی بود وجود نداشت در نتیجه موبدان و اندیشمندان دین بیشتر در راه نگهداری قسمت های مربوط به اخلاقیات و دین مداری اوستا می کوشیدند و البته در این راه هم موفق بودند زیرا تمام پنج قسمت اوستا که مربوط به دین مزدیسنی و امور دینی است برای ما تا امروز بجای مانده بخصوص گاتهای اشو زرتشت...

اگر بخواهیم با شک فلسفی پیرامون اصالت گاتها به یقین برسیم دو سوال مطرح میشود:

1: آیا گاتها اثر خود اشو زرتشت است؟

2: آیا گاتها در درازای تاریخ همین 5 بخش بوده؟

پاسخ این سوالات را از خود گاتها و اوستا میجوئیم، پاسخ سوال اول آری است: قطع نظر از شواهد تاریخی، و علم زبان شناسی ادبیات باستان و البته قدمت زبان گاتها و گواهی جای جای اوستا، از خود گاتها بخوبی معلوم است که چنین سخنانی باید از زبان ابر اندیشمند بشریت باشد، اشو زرتشت 16 بار از خود در گاتها نام میبرد اما نه آنطوریکه در سایر قسمت‌های اوستا از او اسم برده شده و از زبان او چیزی گفته میشود. در گاتها گهی زرتشت مثل شخصی غایب از خود اسم میبرد چنانکه در هات (28 بند 6) و هات (33 بند 14) و هات (41 بند 16) و هات (46 بند 13) و هات (51 بند 12) چنین است. اشو زرتشت گاهی مثل شخصی حاضر در گاتها از خود نام میبرد، چنانکه در هات (43 بند 8) و هات (46 بند 19) و هات (49 بند 12) چنین است. و گهی در سر یک قطعه آن بزرگوار از خود با اسم زرتشت و یا پیام آور مثل شخصی غایب نام میبرد و بعد مانند شخصی حاضر میشود، چنانکه در هات (50 بند 6) و هات (51 بند 15) این گونه است. آن وخشور گاهی نیز بشخص خود خطاب میکند چنانکه در هات (46 بند 14) چنین است. در بخشائی از کتاب ورجاوند گاتها آن وخشور از مشکلات و مصائب پیش روی خود ناخشنود است مانند هات (46 بند 1 و 2) این قبیل قطعات که بیانگر سخن گوئی خود آن بزرگوار است و از سرگذشت خویش سخن می گوید مانند هات (51 بند 12) نشان از اصالت کلامی و هویت فردی سراینده این کلام جاویدان را نشان می دهد.

در گاتها مواردی هست که بوضوح سراینده ی این سروده ها را معرفی میکند مثلاً" در بند 6 از هات 50 چنین آمده:

ای اهورامزدا بگزار کسی که صدای با سرآئیدن کلام مقدس بلند کرده است و او زرتشت، دوست وفادار تست از روی راستی دستورهای پروردگار را به مردم جهان ابلاغ و آنها را ارشاد نماید.

در **اردی بهشت یشت**، بند یکم و دوم درود فرستاده شده بر اشو زرتشت که ستاینده و زوت و سرودگوی و... اهورامزدا و امشاسپندان است. در این دو بند اردی بهشت یشت آنکه نخستین سرودگوی و استغاثه کننده اهورامزدا دانسته شده اشو زرتشت اسپیتمان است.

در سرودش یشت هادخت و سرودش یشت سر شب چنین آمده است:
سرتاسر سخنان ورجاوند(مقدس) اشو زرتشت را می ستائیم، تمام کارهای نیک را میستائیم...

کتاب **دینکرد سوم**، کرده ی هفتم، پیرامون پرسش یک اشموغ بد دین، از هیرید بزرگ است، در آن پرسش اشموغ پیرامون تفاوت گاتهای اشوزرتشت با بقیه منترها(یسنا) که نتیجه ژرف اندیشی شاگردان ویژه آن وخشور، چون فرشوشتر، جاماسپ حکیم، گفتار وهمن و...سوالاتی میپرسد؟
پاسخ هیرید بزرگ حاکی از بی همنا بودن و گوهر بودن گاتها در دل منترها(یسنا) است
و...

در یسنا کرده 71 بند 11 چنین آمده:
با گاتهای اشوان ، ردان ، شهریاران پاک را همی خوانیم و...

در یسنا کرده 55 بند 1 و 2 چنین آمده:
اینچنین همه را در خور پیشگاه گاتهای اشون، ردان شهریاران اشون دانیم، گاتها ما را پناه و پایداری بخشد...

سراسر گاتها از لحاظ قافیه و اوزان شعری و استعاره و اصطلاحات و عبارات یک نواخت و یک پارچه بوده و تردیدی نیست که اثر اندیشه و عمق فکری یک نفر بطور مستقیم بوده است. هنگامیکه خواننده گاتها به زمان بسیار کهنی که این سرودهای ورجاوند سرانیده شده و به تمدن نسبتاً ابتدائی آن زمان می اندیشد از بیان حکیمانه پیامبر ایران ناگذیر لب به تحسین می گشاید.

از نام گاتها محقق است که این اثر تمامش سروده و شعر بوده است. در عصری که گاتها آمده و سروده شده زبان مردم آریان مفهوم همگان بوده، به زبان ساده تر گاتها به زبان مردم عصر خودش سروده شده و نیازی به شرح آن هم نبوده...

بطور کلی کهن ترین بخش ادبیات هر قومی را سرود یا شعر یا قطعات منظوم تشکیل می دهد زیرا مردم میتوانند شعر و سرود و ترانه را به آسانی از بر کنند و بخاطر بسیارند. ادبیات منثور بعداً پیدا میشود و آن هم پس از پیدایش خط و نوشتار است.

گاتها بزبان سانسکریت یعنی سرود پاک دکتر علی اکبر جعفری در کتاب ستوت یسن(ص 23)متذکر میشود که گاتها به دو علت در درازای تاریخ بکر و پابرجا مانده:
1: بنظم بودن، زیرا شعر را میتوان به آسانی از بر کرد و هم آنکه کمتر میتوان در آن دست برد زیرا ترکیب نظم آن بهم ریخته میشود و شیوایی خود را از دست می دهد.
2: هر خواننده و نویسنده زرتشتی(امانت داران صبور اوستا) ایمان و باوری بی مانند و ارجی بس بزرگ به این کلام اهورائی و سخنان روح انگیز داشته و بخود اجازه تحریف ولو آنکه برای تشریح باشد را نداده است، در اینجا باید از همه موبدان آفرین خواند که طی هزاران سال آنرا چنان به لجه شیرین اشو زرتشت حفظ کرده اند.

گاتها متنی است با سنگین ترین مفاهیم ادبی و فلسفه که ترجمه آن کار بسیار سختی بوده و فهم متن آن بغایت دشوار است. در زمان ساسانیان زمانی که موبدان بزرگ چون تنسر، کرتیر، آذریاد مهر اسپندان(که درود امشاسپندان بر همه آنها باد) به تفسیر پهلوی گاتها پرداختند دچار همین اشکال شدند. زیرا سالها پیش آنکه اردشیر پاپکان(که درود بر روان او باد) به تخت جلوش کند زبان اوستا متروک گردیده، فقط زبان مقدس شمرده می شد و زبان مخصوص اوستا بود. به همین علت بود که در زمان اردشیر بابکان و جانشینان

وی گاتها را بدرستی نمی فهمیدند، از این روست که تفسیر پهلوی ساسانی گاتها را که امروز نیز در دست است نمیتوان کاملاً درست و کامل دانست ، بر خلاف تفسیر سایر قسمت‌های اوستا که تفسیر مطابق اصل متن است و امروز کلید فهم اوستاست. بهمین جهت است که پروفیسور رمیه می گوید: ترجمه دارمستتر که از روی ترجمه پهلوی گاتها است ابدال" درست نیست و نباید بدان اعتماد داشت. زیرا اساس ترجمه او که تفسیر پهلوی عهد ساسانی است و...

تفسیر پهلوی گاتها خود مستقلاً کلید فهم گاتها نیست، بلکه جزو اسبابی است که ما را بسوی معنای واقعی آن رهنمون می سازد. گذشته از قدمت زبان چیزی که ترجمه گاتها را مشکل می ساخته این است که بسیاری از لغات آن مخصوص به خودش می باشد و در بسیاری از قسمت‌های اوستا یافت نمی شود، دیگر آنکه ابر مرد آریائی گاتها را با یک طرز مخصوص شاعرانه سروده است و نیز نثریکه سابق بر این آمیخته با این نظم بوده و معانی آن را روشن می ساخته از دست رفته است. با همه این اشکالات از پرتو کوشش دانشمندان و در مدت 150 سال و ترقی فوق العاده علم لغت (فیلولوژی) و با استعانت از قدیمی ترین زبان آریائی (سانسکریت) و وید برهمنان ، امروز میتوانیم از سخنان گوهر بار پیامبر ایران برخوردار شویم، با دیده دل در آن نگریسته و بگوش هوش بشنویم آنچه را که او چندین هزار سال پیش به گروه متمعین خویش خطاب کرده، میگفت: **من میخواهم سخن بدارم اینک گوش فرا داده بشنوید ای کسانیکه از نزدیک و دور برای آگاه شدن آمده اید همتان درست ان را بخاطر خود بسپرید چه اهورامزدا در تجلی است نکند که رهنمایان بد خواه و دوست داران دروغ با زبان خویش آئین دروغ منتشر سازند و زندگانی دیگر سرایتان را با آن تباه نمایند.**

اما پاسخ پرسش دوم، بلی است. گاتهای اشو زرتشت بصورت همین 5 فصل و قسمت دست نخورده در طول تاریخ تا به امروز برای ما مانده خود اوستا و البته متون پهلوی گواه این سخن هستند:

گاتها به مناسبت اوزان و قاعده شعری به پنج قسمت تقسیم شده و هر یک از پنج گاتها با نخستین کلمه ای که با آن شروع میشود ، نام گذاری گشته، به زبان ساده تر نامهایی که امروز ما به پنج گاتها می دهیم از پهلوی ماخوذ شده:

1: اهنود گات (اهونه وئیتی) بمعنی سرور ، مولا

2: اشتودگات (اشته وئیتی) بمعنی تندرستی ، سلامت

3: سپنتمد (سپنتامینو) بمعنی خرد مقدس

4: وهوخشتر (وهوخشتر) بمعنی اقتدار نیک، کشور خوب

5: وهیشتو ایشت (وهیشتو ایشتی) بمعنی بهترین خواسته

گاتهای اشو زرتشت چنان ورجاوند بشمار رفته که در همه جای اوستا به هر هائیتی (هات) و به هر وچس تشتی (قطعه) و به هر افسمن (بیت) و به هر وچ (واژه) آن درود فرستاده شده است.

دکتر محمد معین در کتاب مزدیسنا و ادب پارسی متذکر میشود که گاتهای پنجگانه اشوزرتشت از حیث فکر و سخن از آغاز تا انجام به هم مربوط و مبتنی بر مطلبی بخصوص بوده و بصورتی بکر درازای تاریخ را پشت سر گذاشته است...

در یسنای پاک کرده 57 که بنام ستوت یشت معروف است چنین آمد :

ما میسنائیم نخستین کسی که بسرود پنج گاتهای سپنتمان زرتشت پاک را: از اسفمن (بیت) [و] بند با گزارش، با پاسخ از برای ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین خوانی امشاسپندان...

در ویسپرد ارجمند کرده اول از هر پنج گاتهای ورجاوند اشو زرتشت بطور جداگانه نام برده شده و به هر یک درود فرستاده میشود:

ویسپرد کرده اول، بند 5: نوید میدهم، بجای می آورم از برای اهنود پاک، رد پاکي...

ویسپرد کرده اول، بند 6: نوید می دهم، بجای می آورم، از برای اشتودگات رد پاکي ...

در ادامه همین بند: نوید میدهم، بجای می آورم، از برای سپنتمدگات پاک، رد پاکي...

ویسپرد کرده اول بند 7: نوید میدهم، بجای می آورم، از برای وهوخشترگات پاکف رد پاکي...

در سروش یشت سر شب بند سوم چنین آمده: **سروش پارسا را میستائیم، اوست نخستین کسی که بسرود پنج گاتهای اشو زرتشت اسپنتمان را با وزن، ترجمه و تفسیر و با پرسش و پاسخ برای یزشن و نیایش و درود و ستایش امشاپندان بخت شکوه و فری ...**

بمانند همین متن عیناً" در کرده سروش (بند سوم) تکرار میشود.

در کتاب ارجمند وندیداد، فرگرد 19 بند 38 چنین آمده(1):

ستایش میکنم نیکوکاران و گاتهای پارسا را.

ستایش میکنم گاتهای اهنوتی (یا گاتهای اهنود) را.

ستایش میکنم گاتهای اشتوتی (یا گاتهای اشتود) را.

ستایش میکنم گاتهای اسپنتمد را.

ستایش میکنم گاتهای وهیشتوهیشتو را.

و...

در یسنا کرده 57 بند 8 چنین آمده است:

نخستین کسی که پنج گات سپنتمان زرتشت اشون (پارسا) را بسرود از پتمان و بند و گزارش و پاسخ.

در فصل سیزدهم کتاب **شایست و ناشایست** (از متون پهلوی دوران ساسانی) که بنام جم گاهان (چگونگی گاتها) مشهور است ضمن ذکر نامهای هر 5 بخش گاتها و سپس بخش بندی های یسنا، در باره گاتها میخوانیم که از چند، وچس تشتی (شعر) و چند گاه (پاره شعر) و ... تشکیل شده است.

موبد بزرگ زادسپرم در کتاب **گزیده های زاتسپرم** چنین آگاهی میدهد:

گاتها بر سه پیمان (گونه) است: سه گاه، چهارگاه، پنج گاه همچنین گاتها دارای 21 بخش، 288 وچست (قطعه)، 1016 گاه (بیت) و 6666 واژه بوده است، موبد بزرگ در اینجا گاه را یک بیت از گاتها اراده کرده است و سخن او در این مورد نیز درست است، زیرا برخی از گاتها مانند هات 28 تا 31 در هر بند 3 بیت شعر دارند و پاره ای مانند هات 49، 50، 53 چهار بیت و شماری دیگر مانند هات 43 تا 46 پنج بیت دارند. شرح کاملتر را در صفحات 40 و 115 گزیده های زادسپرم بیابید.

گاتها در طول تاریخ چون البرز کوه مکرم و سترگ، ایستاده و پابرجا مانده و برآستی مانند فروغی جاویدان به نور افشانی بر کاخ خرد ورزی بشریت مامور است.

گاتها بقول اسپنسر آبخاری از نیروی روحانی است که اندیشه آدمی را برای قرن‌ها حیات و نیرو بخشیده است و برآستی بزرگترین اثر دینی ، ادبی و فلسفی است که از روزگار باستان بجای مانده. گاتها را میتوان نماینده واقعی دین زرتشتی بشمار آورد. گوهره اصلی کتاب گاتها راستی است بطوری که میتوان گفت گاتها تفسیر یک حرف است و آن راستی است.

فرجام یافت به درود و شادی و رامش به کامه اورمزد اشو افزونی و امشاسپندان پیروزگیر باد

یاری نامه

- 1: جهان بینی اشو زرتشت ، دستور دکتر اردشیر خورشیدیان
- 2 کتاب سوم دینکرد ، دفتر یکم و دوم ، ترجمه پروفیسور فریدون فضیلت
- 3 خرده اوستا ، ترجمه و گرد آوری استاد رشید شهردان
- 4 یشتهها جلد یکم ، ترجمه استاد پورداوود
- 5 ستوت یسن ، دکتر علی اکبر جعفری
- 6 یست و ناشایست ، ترجمه و آوانوسی دکتر کتابیون مزداپور
- 10: یسنا ، ترجمه و پژوهش استاد پورداوود
- 11: مزدیسنا و ادب پارسی جلد اول و دوم، دکتر محمد معین
- 12: تاریخ هشت هزار سال شعر ایرانی
- 13: گزیده های زاتسپرم ، ترجمه و آوانویسی دکتر محمد تقی راشد محصل
- 14: گاتها ، ترجمه دستور فیروز آذرگشسب
- 16: وندیداد ترجمه جیمز دارمستتر
- 17: ویسپرد ، گزارش استاد پور داوود